

# نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

### موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور زمینه‌ساز ظهور مهدی؛ هویت و صفات

## بسم الله الرحمن الرحيم

نقد

نویسنده: علی زعیمزاده

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۴

کتاب ایشان را مطالعه نمودم. البته برخی قسمت‌ها را چند بار مطالعه کردم و از برخی سریع‌تر گذشتم. انصافاً با توجه به اندازه‌ی دانشی که از علوم مذهبی دارم اشکالی در آن ندیدم و تقریباً تمام آن حقایقی است که یادآوری کرده‌اند. ولی سؤال اساسی این است که چگونه یقین کنیم خود ایشان به شکل عملی و از روی یقین تابع این حقایق هستند؟ (مثلاً مثل بنده‌ی حقیر که ممکن است گناه‌کار هم باشم و ایمانم ناقص باشد، نیستند). با توجه به اینکه هنوز عملکرد ایشان را با چشم و شواهد آشکار ندیده‌ایم. البته طبق قرآن کریم هر چیزی را که ندیده‌ایم نمی‌توانیم تکذیب کنیم و ایمان به غیب از نشانه‌های ایمان است (آیات اول سوره‌ی مبارکه‌ی بقره). شاید یکی از دلایل ما این باشد که ایشان خراسانی موعود هستند و طبق گفته‌ی معتبر و متواتر ائمه‌ی هدی قطعاً علاوه بر گفتن حقیقت، به شکلی عملی تابع آن هم هستند.

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۶

برادر منصف و آزاده!

وجود امثال جناب‌عالی که بر کنار از جهل، تقلید، دنیاگرایی، اهواء نفسانی، تعصب، تکبر و خرافه‌گرایی و با تمسک به کتاب خداوند و سنت معتبر و متواتر پیامبر او، در پی شناخت حق و التزام به آن هستید و بصیرت و آزاداندیشی خود را در مصاف القائات و جوسازی‌های موجود از دست نمی‌دهید، مغتنم شمرده می‌شود و نشان می‌دهد که جهان از «اولو الألباب» خالی نشده است و هنوز در گوشه و کنار آن، مردانی آزاده و خردمند هستند و می‌توان به اجتماع شماری کافی از آنان برای یاری مهدی علیه السلام امیدوار بود. هر چند متأسفانه بیشتر مردم مانند شما نیستند و در محاصره‌ی موانع شناخت به سر می‌برند و برای آنان چشم‌هایی است که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی است که با آن نمی‌شنوند و عقل‌هایی است که با آن تمییز نمی‌دهند، تا



جایی که از قلّه‌های رفیع انسانیت به درّه‌های عمیق حیوانیت سرازیرند و در بهیمیت و سُبُعیت بر یکدیگر پیشی می‌گیرند؛ «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»<sup>۱</sup>.

اما در پاسخ به «سؤال اساسی» جناب‌عالی که فرموده‌اید: «چگونه یقین کنیم خود ایشان به شکل عملی و از روی یقین تابع این حقایق هستند؟» باید گفت:

اولاً برای پیروی شما از این حقایق، ضرورتی به چنین یقینی نیست؛ چراکه این حقایق مبتنی بر کتاب خداوند و سنت متواتر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اقتضائات روشن عقلی هستند و به عمل منصور هاشمی خراسانی و یقین او به آن‌ها وابستگی ندارند؛ به این معنا که چه ایشان «به شکل عملی و از روی یقین» تابع آن‌ها باشد و چه نباشد، پیروی از آن‌ها از آن حیث که حقایق‌اند بر شما واجب است؛ با توجه به اینکه تبعیت نکردن این بزرگوار از آن‌ها «به شکل عملی و از روی یقین»، ماهیت آن‌ها را تغییر نمی‌دهد و مجوز تبعیت نکردن شما از آن‌ها «به شکل عملی و از روی یقین» نمی‌شود؛ چراکه هر کسی مسؤول عمل خویش است و تبعیت نکردن کسی از حقایق، موجب بطلان آن‌ها یا سقوط مسؤولیت از دیگران نمی‌شود؛ چنانکه هر پیامبری به قوم خود فرموده است: «قَدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِیْظٍ»<sup>۲</sup>؛ «برای شما مایه‌های بصیرتی از جانب پروردگارتان آمده، پس هر کس بصیرت یابد به سود خودش بصیرت یافته و هر کس کور شود به زیان خودش کور شده است و من نگهبان شما نیستم».

ثانیاً تابع نبودن ایشان از حقایقی که خود با نهایت مشقت و در بحبوحه‌ی خطرات، پس از قرن‌ها کتمان، از زیر خروارها خاک بیرون کشیده و احیا فرموده است، محتمل نیست؛ زیرا دور از عقل و عرف و عادت است که کسی جان و مال و آبروی خود را برای اظهار حقایقی که خود «به شکل عملی و از روی یقین» تابع آن‌ها نیست، به خطر بیندازد؛ بلکه نفس این کار، تابع بودن او از این حقایق «به شکل عملی و از روی یقین» است؛ چراکه اظهار این حقایق پس از کتمان آن‌ها به رغم همه‌ی خطرات و مشقت‌هایش، در ترازوی عقلاً صرفاً یک خطابه‌ی ساده محسوب نمی‌شود، بلکه کاملاً «شکل عملی» دارد و مصداق بارز قیام بر ضد بدعت‌ها و انحرافات و جهاد برای اقامه‌ی اسلام خالص و کامل در جهان است و جز در صورت یقینی راسخ به آن‌ها ممکن نیست.

ثالثاً قطع نظر از ماهیت عملی و یقینی اظهار حقایق بر کنار از همه‌ی اعوجاج‌ها و انحراف‌ها که مانند تابلویی بر فراز آن نصب شده، ماهیت قولی و نظری آن مصداق بارز «حکمت» است،

۱. الأعراف / ۱۷۹

۲. الأنعام / ۱۰۴

در حالی که «حکمت» تنها از خداوند نشأت می‌گیرد و به کسانی داده می‌شود که از عمل و یقین لازم به آن برخوردارند و هر کس به او «حکمت» داده شده، به او خیر کثیری داده شده؛ چنانکه فرموده است: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ۚ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»<sup>۱</sup>؛ «حکمت را به هر کس که می‌خواهد می‌دهد و هر کس که به او حکمت داده شده، به او خیر کثیری داده شده است و جز خردمندان متذکر نمی‌شوند»؛ چنانکه به داوود علیه السلام حکمت داد و فرمود: «وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ»<sup>۲</sup>؛ «و او را حکمت و گفتاری فیصله‌دهنده دادیم» و به لقمان علیه السلام حکمت داد و فرمود: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ»<sup>۳</sup>؛ «و هرآینه لقمان را حکمت دادیم که خداوند را سپاس گزار» و به عیسی علیه السلام حکمت داد و فرمود: «وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ»<sup>۴</sup>؛ «و چون عیسی با نشانه‌های روشن آمد گفت که من برای شما حکمت آورده‌ام و تا برخی از آنچه درباره‌ی آن اختلاف می‌کنید را برایتان روشن کنم»؛ بلکه آن را میراثی در آل ابراهیم شمرد و فرمود: «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»<sup>۵</sup>؛ «هرآینه آل ابراهیم را کتاب و حکمت داده‌ایم» و تعلیم آن را از کارهای پیامبران دانست و فرمود: «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»<sup>۶</sup>؛ «و آنان را کتاب و حکمت می‌آموزد، هر چند پیش‌تر در گمراهی آشکاری بودند» و با این وصف، می‌توان از حکمت منصور هاشمی خراسانی که در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» تجلّی یافته است، به عمل و یقین او راه یافت؛ خصوصاً با توجه به اینکه شخصیت هر کس از اندیشه‌های او مایه می‌گیرد و در آرمان‌های او تجلّی می‌یابد و با دغدغه‌های او شناخته می‌شود و ماهیت انسان در زیر زبان او پنهان است؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ»<sup>۷</sup>؛ «و هرآینه آنان را در شیوه‌ی گفتار می‌شناسی»؛ بلکه غالباً عمل هر کس مبتنی بر علم اوست و علم صحیح، عمل صحیح را اقتضا می‌کند و از این رو، هدایت کسی به «قول طیب» مقتضی هدایت او به «صراط حمید» است؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَهْدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهْدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ»<sup>۸</sup>؛ «و به گفتار پاکیزه هدایت یافتند و به راه ستوده هدایت یافتند».

با این وصف، عدم یقین شما به تبعیت عملی و یقینی منصور هاشمی خراسانی از حقایق که

۱. البقرة / ۲۶۹

۲. ص / ۲۰

۳. لقمان / ۱۲

۴. الزخرف / ۶۳

۵. النساء / ۵۴

۶. آل عمران / ۱۶۴

۷. محمد / ۳۰

۸. الحج / ۲۴



به سوی آن دعوت می‌کند، از یک سو مانع تبعیّت شما از این حقایق نمی‌شود و از سوی دیگر، با لحاظ جنبه‌های عملی و یقینی دعوت ایشان به سوی آن‌ها و ملازمه‌ای که میان این حکمت مطهر و متعالی و اتصال عملی و یقینی با خداوند وجود دارد، قابل تدارک است. از اینجا دانسته می‌شود که یقین به تبعیّت ایشان از این حقایق «به شکل عملی و از روی یقین»، جدای از آنکه ضرورتی ندارد، متوقّف بر یقین به موعود بودن ایشان نیست؛ چراکه هر چند برخی مسلمانان اهل علم، ایشان را زمینه‌ساز موعود ظهور مهدی علیه السلام می‌دانند و معتقدند که این با توجّه به خصوصیات فکری، عملی و ظاهری ایشان، واضح است و نیازی به تردید و مجادله ندارد، ولی ایشان همّ خود را معطوف به چنین ادّعایی نمی‌فرماید و تنها به زمینه‌سازی عینی و واقعی برای ظهور مهدی علیه السلام می‌پردازد و معتقد است که لزوم عقلی و شرعی همراهی با ایشان در این راستا، تابعی از همین زمینه‌سازی عینی و واقعی است، نه تابعی از ادّعای موعود بودن؛ چراکه مدّعیان موعود بودن بسیارند، ولی یک زمینه‌ساز عینی و واقعی برای ظهور آن حضرت یافت نمی‌شود! با توجّه به اینکه عموم مدّعیان، همّی جز اثبات ادّعای خود ندارند و به کاری جز مجادله درباره‌ی اینکه چه کسی هستند و چه کسی نیستند، نمی‌پردازند، در حالی که روشن است شأن منصور هاشمی خراسانی اجلّ از این قبیل کارهاست و کار مهم‌تری ایشان را به خود مشغول کرده و آن همانا تعلیم اسلام خالص و کامل به مسلمانان جهان و تربیت شماری کافی از آنان برای یاری مهدی علیه السلام است؛ کاری که اگر توسط ایشان انجام شود، ظهور آن حضرت تحقّق می‌یابد، هر چند کسی ایشان را زمینه‌ساز موعود آن به شمار نیاورده باشد.

این تخفیفی از جانب خداوند و تدبیری از جانب ایشان است تا برای کسانی که مایل به یاری مهدی علیه السلام و زمینه‌سازی برای ظهور او هستند ولی از همراهی با مدّعیان به سبب غلبه‌ی کذب بر آنان بیم دارند، تنگنایی در دین‌شان نباشد؛ چراکه شیطان پنداشت می‌تواند از طریق تکثیر مدّعیان دروغین، از ظهور صادقان و شناخت آنان توسط مسلمانان جلوگیری کند؛ پس خداوند مکر او را خنثی ساخت و صادقان را بدون ادّعا ظاهر نمود تا شناخت آنان توسط مسلمانان آسان شود و مدّعیان دروغین رسوا گردند؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لَيَرْوُلَ مِنْهُ الْجِبَالُ﴾**<sup>۱</sup>؛ «و مکر خود را کردند، در حالی که مکرشان نزد خداوند است، اگر چه مکرشان چنان باشد که کوه‌ها از آن زائل شوند» و فرموده است: **﴿وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكْرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾**<sup>۲</sup>؛ «و آنان مکر می‌کردند و ما نیز مکر می‌کردیم، در حالی که آنان نمی‌دانستند». این گونه خداوند با اذن خود کسانی که ایمان دارند را درباره‌ی حقیقتی که درباره‌ی آن اختلاف دارند هدایت نمود؛

۱. ابراهیم / ۴۶

۲. التّمل / ۵۰

چنانکه فرموده است: ﴿فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾<sup>۱</sup>؛ «پس خداوند کسانی که ایمان آوردند را به حقیقتی که درباره‌ی آن اختلاف کردند با اذن خود هدایت فرمود و خداوند هر کس را که بخواهد به راهی راست هدایت می‌فرماید»؛ تا برای یاران مهدی علیه السلام و دوستدارانش فتنه‌ای در دین‌شان نباشد و بتوانند بدون نگرانی، برای ظهور آن حضرت زمینه‌سازی کنند و نصیب کسانی که به دروغ ادعایی می‌نمایند، رسوایی باشد و برای آنان در دنیا خواری است و در آخرت به عذابی دردناک بازگردانده می‌شوند. بر این اساس، می‌توان گفت: همه‌ی کسانی که در حال حاضر خود را موعود می‌شمارند و با این عنوان مسلمانان را به سوی خود دعوت می‌کنند، دروغگویانند و در میان آنان هیچ راستگویی نیست و اگر راستگویی باشد در میان کسانی است که ادعایی ندارند و او کسی است که مسلمانان به موعود بودن او پی خواهند برد، بی‌آنکه خودش خویشتن را موعود شمارد؛ چراکه موعود بودن او، در وقت ضرورت مانند آفتاب در وقت صبح بر آنان طالع خواهد شد و هیچ ابهامی برای آنان درباره‌ی آن باقی نخواهد ماند، تا جایی که اگر از کودکان در کوچه و پیرزنان در خانه بپرسی که زمینه‌ساز موعود ظهور مهدی کیست، بی‌درنگ به او اشاره خواهند کرد؛ با توجه به اینکه خداوند هرگز با شک پرستش نمی‌شود، بلکه با یقین پرستش می‌شود و حق از باطل مانند روز از شب متمایز خواهد بود؛ چنانکه فرموده است: ﴿سَرِّبْهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾<sup>۲</sup>؛ «به زودی نشانه‌های خود را در آفاق و در خودهایشان نشانان می‌دهیم تا برای آنان روشن شود که او حق است» و فرموده است: ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ﴾<sup>۳</sup>؛ «انسان از عجله آفریده شد؛ به زودی نشانه‌های خود را نشانان می‌دهم، پس عجله نکنید» و فرموده است: ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾<sup>۴</sup>؛ «امر خداوند می‌آید، پس درباره‌ی آن عجله نکنید».

خداوند به عموم مسلمانان توفیق شناخت حق از روی یقین و صبر بر آن را ارزانی دارد؛ چراکه یقین و صبر، زمینه‌ی ظهور امامان در میانشان را فراهم می‌کند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾<sup>۵</sup>؛ «و از آنان امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت کنند، هنگامی که صبر کردند و به نشانه‌های ما یقین نمودند» و روشن است که مهدی علیه السلام از بزرگ‌ترین امامان است و سپاس برای

۱. البقرة / ۲۱۳

۲. فصلت / ۵۳

۳. الأنبياء / ۳۷

۴. النحل / ۱

۵. السجدة / ۲۴





خدایی است که ما را به این هدایت فرمود و سلام و رحمت او بر منصور هاشمی خراسانی که  
واسطه‌ی این هدایت شد.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی  
بجایگاه برتری تقدیم



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه



صفحه اینستاگرام پایگاه



صفحه کانال تلگرام پایگاه



صفحه فیسبوک پایگاه



لینک مطالعه متن

\* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.